

برگی از تاریخ:

به بهانه ۸ مارچ؛ روز جهانی زن

جنبش زنان در ایران

از سالی که سپری شد، تاکنون جنبش زنان در شهرهای مرکزی ایران روز به روز گسترش بیشتری یافته است. زنان خانواده های بورژوازی ایران که برخی حتی در اروپا نیز به تحصیل می پردازند، از این پس با گشوده شدن مدارس توسط اروپایی ها و آمریکایی ها موفق به اتمام تحصیلات خود می شوند و در شمار آن ها از جمله زنان روشنفکر، شاعر و نویسنده نیز وجود دارند.

مجله «ایران» در شماره اخیر خود موضوعی با عنوان «زن و عشق» را به مسابقه گذاشته بود، که در پایان پس از بحث هایی که بین زنان و مردان نویسنده انجام شد، زنان توانایی هم چون «ش -- طلعت» و «مستوره افشار» با نوشتن مقالاتی، در ردیف بهترین ها قرار گرفتند. علاوه بر نشر مجموعه ها و آثاری از طرف بورژوازی در مورد جنبش زنان، نشر آثاری از جانب خود زنان نیز تحرکات چشم گیری به این جریان بخشیده است.

تنها در تهران چهار نشریه با نام های «زبان زنان»، «عالم توان»، «جهان زنان»، «نامه بانوان» انتشار می یابد. واضح است که اینک نشر آثار و نیز حمایت از رهایی زن، از جانب اشخاص و تشکل ها، با آن چه از جانب ما برای رهایی زنان کارگر و زحمتکش پیگیری می شود قابل مقایسه نیست.

جنبش کنونی زنان ایران تماماً ماهیتی بورژوازی دارد. اگر هم در این جنبش کنونی سویه ای انقلابی مشاهده می شود، چیزی به غیر از حذف حجاب، از خانه بیرون

رفتن، رفت و آمد به مراکز تئاتر و دست یابی به حقوق سیاسی نیست. این افراد مطلقاً به موجودیت زنان کارگر و زحمتکش باور ندارند. مهم ترین موفقیت آن ها مبارزه علیه روحانیون، کاستن از برخی موهومات و موضوعاتی است که آن را برای خود دستاوردهای بزرگی می پندارند.

علیرغم کثرت زنان زحمتکش در ایران، زندگی آنان بسیار سخت سپری می شود. شاید نام بردن از زنان کارگر و زحمتکش در ایران مضحک به نظر برسد؛ زیرا در ایران کارخانه ها و کارگاه های بزرگی وجود ندارند و شاید طرح مسائل زنان کارگر تعجب انگیز باشد، اما چنین نیست. امروزه مهم ترین کالای تجارتي و صادراتی در ایران قالی و قالیچه است. قالی های دستباف ایرانی در سرتاسر اروپا و آمریکا از معروفیت زیادی برخوردارند. قالی های یزد، کرمان و کردستان زینت بخش تالارهای معظم اروپایی هستند. آفرینندگان این قالی ها همان زنان کارگر و زحمتکش ایرانی اند. این ها از دوران کودکی، حتی از سنین ۷ یا ۸ سالگی به کارخانه ها و کارگاه های قالی بافی آورده می شوند و در این زیرزمین های مرطوب و تاریک، برای لقمه نانی روزانه ۱۴ ساعت کار می کنند و هزاران تن از آن ها تحت همین شرایط از بین می روند.

تعداد این زنان کارگر در چنین دشواری، در چنین سیاه چال هایی، بیش از صدها هزار نفر است. در عین حال اگر به این مجموعه، تعداد زنان کارگر در کارخانه های پارچه بافی معروف به «وطن» و تعداد بسیار زیادی که در مزارع برنج و در کارخانه های پنبه پاک کنی به کار می پردازند و کارگران زنی را که کتیرا و تریاک برای صادرات و تجارت آماده می کنند، اضافه کنیم (بدون در نظر گرفتن زنان زحمتکش روستا)؛ زنان کارگر یک چهارم تمام زنان ایران را تشکیل می دهند که تاکنون هیچ قانونی به نفع آنان و هیچ تشکیلاتی برای دفاع از منافع این جمعیت کثیر به وجود نیامده است.

تجار، اجاره داران و بازرگانان اروپایی که به واسطه کار طاقت فرسای این زنان کارگر، میلیون ها به جیب می زنند، در تأمین سلامتی این ستمکشان کوچک ترین اقدامی به عمل نیاورده اند.

در سالی که گذشت، «جمعیت اقدام» برای عوام فریبی و اغفال مردم به عنوان تامین برخی حقوق زنان تکالیفی را به دولت ارائه داد. مسلم است که این عمل به غیر از تبلیغاتی خشک و تو خالی چیز دیگری نیست.

می توان گفت ایران یکی از کشورهایایی است که در آن نه فقط رای زنان به حساب نمی آید، بلکه در کلیت برای تمام کارگران و زحمتکشان هیچ قانونی وضع نشده است.

با وجود بیکاری و گرسنگی، زنان کارگر بنا به دلخواه سرمایه داران تا زمانی که به آن ها نیاز هست به کار وادار شده و در این مدت نیز از حقوق بسیار ناچیزی برخوردار می شوند.

اغلب از کودکان کارآموز قالی باف به مدت پنج تا شش سال، بدون پرداخت هیچ دستمزدی کار کشیده می شود، از این کودکان بجز تنی نحیف و رنجور و چشمانی از حلقه بیرون درآمده باقی نمی ماند.

دقت بسیار زیادی که لازمه یافتن هر تخته قالی است، در دست های لاغر و چهره های رنگ پریده ای که به خاطر لقمه نانی برای زیست از هیبت انسانی برگشته و در چشمانی که در شمردن گره های قالی به تاریکی می گرایند قابل مشاهده است. می توان این رنج ها را در روشنایی بر گرفته از نیروی چشمان آن کودکان در هر تخته قالی مشاهده کرد.

مردان بورژوا، خرده بورژوازی طرفدار جنبش زنان و زنان ثروتمندی که کار و بارشان غیر از خودآرایی چیز دیگری نیست، به هیچ وجه از این زندگی مشقت بار متأثر نمی شوند. آن ها حتی این زنان زحمتکش را در شمار انسان به حساب

نمی آورند و می گویند: "مادام که چنین موجودات کثیفی وجود دارند زنان آزاد نمی شوند."

با توجه به همین نظرات است که نمی توان به جنبش کنونی زنان ایرانی گرایش پیدا کرد. به همین دلایل است که برای ما جنبش واقعی زنان روزی آغاز می شود که زنان کارگر در فعالیت های اجتماعی و چپ وارد شوند.

هر چند که در شرایط کنونی هنوز چندان قابل توجه نیست، اما نیروهای چپ فعالیت در میان زنان کارگر را آغاز کرده اند. هم اینک یکی از اعضای منتخب "فرقه کمونیستی" در کمیته شهر تهران، از زنان کارگر می باشد.

به نام "شرق قادینی" (نشریه زنان شرقی) و فقط به نام مظلومیت زنان شرق نباید اکتفا کرد، بلکه باید فعالانه در بستر جنبش زنان وارد شد. با این همه در شرق؛ "شرق قادینی"، یگانه نشریه ی زنان کارگر است. تنها نشر این مجموعه، می تواند مشعل انقلاب و رهایی زنان کارگر باشد.

پانویس:

این مقاله از آذری به فارسی ترجمه شده است.

این نوشته ترجمه یکی از مقالات (جعفر پیشه وری) (م. ج. جوادزاده) است که در سال ۱۳۰۳ (مارچ ۱۹۲۴) در سومین شماره نشریه «شرق قادینی» (زنان شرق) به چاپ رسیده است.

م - جوادزاده (پیشه وری)

ترجمه: ناصر آذریور

آدرس انترنتی کتابخانه: <http://www.javaan.net/nashr.htm>

آدرس پستی: BM Kargar, London WC1N ۳XX, UK

ایمیل: yasharazarri@yahoo.com

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری

تاریخ بازنویسی: ۱۳۸۴